آرمان ملّی
armanmeli.ir
سال چهارم
شماره ۱۱۰۸
سه شنبه
۱۴۰۰ • ۰۶ • ۲۳
۰۷ صفر ۱۴۴۳/ ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۱

یادداشـــت

تفاوت مواجهه با یک سفر

رحمت‌ا... بیگدلی
فعال سیاسی اصلاح‌طلب

رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز شنبه برای مذاکره وارد تهران شد و یکشنبه ۲۱ شهریور ماه با اتمام مذاکرات به وین، مقر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بازگشت. به گزارش خبرگزاری فرانسه، وی در فرودگاه وین به خبرنگاران گفت: «در مذاکره با ایران بر سر ایجاد فضایی دیپلماتیک برای رسیدن به راه حل مسائل گسترده‌تر و همچنین رسیدگی به تجهیزات نظارتی توافق شد.» گروسی افزود: «مذاکرات من با مدیرکل آژانس انرژی اتمی ایران بسیار صریح و این مذاکرات سازنده بود.» او گفت: «ما تمام تاسیسات ایران را بازرسی خواهیم کرد و همه تجهیزات نظارتی آسیب‌دیده را جایگزین می‌کنیم. ما از همه امکانات فنی برای به دست آوردن اطلاعات و نظارت بر تاسیسات ایران برخورداریم.» گروسی افزود: «من دعوت‌نامه‌ای دریافت کرده‌ام و به زودی به تهران بازمی‌گردم تا در مورد مسائل حل‌نشده مربوط به اورانیوم کشف‌شده در ایران صحبت کنم.» نکاتی چند درباره سفر رافائل گروسی: ۱. پس از تکیه سید ابراهیم رئیسی بر مسند ریاست دولت، رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بدون هیچ مخالفتی از سوی اعضای مجلس، محافل خاص و... با استقبالی بسیار گرم آمد و با بدرقه‌ای گرم‌تر رفت! ۲. این در حالی است که سفرهای قبلی گروسی به ایران همیشه مواجه با قشقرق و الم‌شنگه جریده خاص، واویلای رسانه ملی، اعتراضات مدعیان انقلابی‌گری و تجمع آنها و نطق‌های آتشین در مجلس مدعی اصولگرایی و انقلابیگری بود. همین هفت ماه پیش که گروسی به ایران آمد با تجمع گروهی از جوانان حزب اللهی و نطق‌های آتشین نمایندگان مجلس روبه‌رو شد، اما این بار در دولت رئیسی، رافائل گروسی خیلی خودمانی آمد و مامانی رفت! ۳. این بار توافق با آژانس بدون محدودیت زمانی و بدون گرفتن هیچ امتیازی حاصل شد، بدون این‌که کسی در مجلس خودش را پاره کند یا به‌هنگام ورود و خروج دبیرکل سازمان انرژی اتمی به ایران شاهد تجمع و شعارهای تند باشیم یا در این میان، کسی متهم به خیانت و جاسوسی و ... شود! گویی که گاندوسازان رفتند از این ولایت! ۴. بعد از توافقی که نقض صریح قانون و نمایندگان مجلس، نه تنها رئیس دولت و رئیس سازمان انرژی اتمی ایران متهم به خیانت نشدند، بلکه صداوسیما طبل شادیانه هم کوبید! ۵. هیچ موشک نقطه‌زنی هم با تحریر شعار بر روی آن تست نشد! ۶. دبیرکل سازمان بین‌المللی انرژی اتمی هم گفت: «حافظه دوربین‌ها پاک نمی‌شود و تصاویر را تحویل گرفتیم.» این در حالی است که جناب قالیباف در دوم خرداد امسال گفت: «تصاویر دوربین‌ها باید پاک شود و آژانس حق دسترسی به دوربین‌های سازمان انرژی اتمی را ندارد.»! ۷. واکنش شریعتمدارانه جریده خاص هم به تمدید توافق موقت در دولت روحانی و توافق دائمی بدون هیچ امتیازی در دولت رئیسی، انتقاد شدید از اولی و استقبال و پوشش خبری در دومی بود! ۸. نکته بسیار مهم این است که براساس بیانیه منتشره، توافق دولت رئیسی و آژانس برخلاف توافق دولت روحانی، علاوه بر نقض قانون مجلس، محدودیت زمانی هم ندارد! ۹. حضرات با این عملکرد خود نشان دادند که از نظر آنان این باید و نبایدهای مدعی اصولگرایی و انقلابی‌گری و خط‌ونشان کشیدن‌ها و... صرفا دکان چهارنبش تجارت برای کسب قدرت است! ۱۰. اینک جای سوال است که: آیا مدعیان پاسخی برای مردم و دادگاه عدل الهی دارند! آیا پاسخی برای صدها میلیارد دلار خسارتی که زدند دارند؟! آیا پاسخی برای فقیر کردن و کوچک شدن سفره‌های مردم و نابود کردن ارزش پول ملی دارند؟و...؟!

دیدگـــاه

دفاع اصلاح‌طلبانه و مسئولانه از افغانستان

ادامه از صفحه اول / اگر ابرقدرت شوروی با مداخله در افغانستان هرگز موفق نشد که حتی آرامش را در این کشور فراهم کند و اگر ناتو طی ۲۰ سال حضور در این کشور و هزینه کردن ۲ تریلیون دلار کاری از پیش نبرد قطعا حضور فیزیکی اصلاح‌طلبان درافغانستان فقط بر پیچیدگی اوضاع این کشور خواهد افزود و اتفاقا دو دستگی خطرناکی را به کشورمان وارد می‌کند. آقایان برای بی عملی و اشتباه تاریخی و انفعال خود در افغانستان آدرس اشتباه ندهند. ما می‌توانیم بدون پیاده کردن سربازان خود در افغانستان کمک‌های اصولی و اساسی و انسانی به این کشور داشته باشیم. باید به دولت‌های حامی طالبان اخطار داده شود که کمک‌های تسلیحاتی خود به گروهی که بدون انتخابات بر این کشور مسلط شده‌اند را قطع کنند و تهدید شود که در غیر این صورت ایران هم به مردم مظلوم کمک خواهد کرد که از خود دفاع کنند. ایران می‌تواند قاطعانه خواستار معبری برای کمک‌های انسان دوستانه به مردم پنجشیر و دیگر اهالی این کشور شود و طالبان حق جلوگیری از آن را ندارد. اگر چنین معبری باز شود خواهیم دید که مردم ایران با همه مشکلاتی که خود دارند به یاری آن ستم‌دیدگان خواهند شتافت و اگر حمایت مردمی حاصل شد دولت هم اجازه کمک را خواهد یافت. تحرکات دیپلماتیک می‌تواند با وسعت و جدیت انجام شود و طالبان را از اقدامات غیر انسانی و خشونت بار برحذر دارد. ایران می‌تواند برای استقرار یک دولت همه شمول با رای مردم در آن کشور کمک کند البته تعارف نداریم که با توجه به اوضاع داخلی، ما در این زمینه دچار ضعف هستیم و انتخابات‌مان چنان نبود که در این زمینه سخن‌ها داشته باشیم و عمق دموکراسی خود را به رخ رقبا بکشانیم. شایسته و اخلاقی است که مرزهای کشور به روی بی پناهان افغان گشوده شود و جامعه جهانی ملزم است که هزینه‌های ایجاد کمپ‌های بزرگ نگهداری از آنان خصوصا زنان و کودکان را تامین کند. اصلاح‌طلبان اینگونه خواستار کمک ریشه‌ای به مردم افغانستان هستند تا خودشان مشکل خودشان را حل کنند و روی پای خود بایستند. البته اگر طالبان کوچکترین تهدیدی علیه کشور و مردم ما ایجاد کرد یا اجازه داد که گروه‌هایی مثل داعش سنگی به مرزهایمان پرتاب کنند باید فورا با پاسخ قاطع و پشیمان کننده ایران روبه‌رو شوند و به نظر نمی‌رسد هیچ ایرانی در این مورد تردیدی داشته باشد.

مهدی ذاکریان در گفت و گو با «آرمان ملی»:

اختلاف آمریکا و اروپا به نفع ماست؛ استفاده کنیم

اعضای برجام به تعهدات خود عمل نکنند، ایران عجله‌ای ندارد

طرفین برجام که نگران نظارت کامل آژانس هستند به تعهدات خود عمل کنند

از قالب تئوری موازنه خارج شویم و به سمت همکاری جهانی برویم

آرمان ملی – حمید شجاعی: توافق برجام شرایط ناپایداری را می‌گذراند و از زمان خروج آمریکا از این توافق و وضع تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه علیه کشورمان و عدم عمل به تعهدات از سوی سایر کشورهای حاضر در این توافق؛ ایران نیز تصمیم گرفته که به جای اجرای یک طرفه تعهدات تا زمانی که سایر طرف‌ها به وظایف خود عمل نکنند گام‌های کاهش تعهدات خود را بردارد. با این حال باز هم این ایران است که به عنوان اولین کشور خواهان بازگشت همه طرف‌ها به تعهدات و احیای توافق هسته ای است. چنانکه در ماه‌های اخیر نیز شش دور مذاکرات در وین را ادامه داد تا با طرفین به توافق برسد. با این حال هر چند همه طرف‌ها از لزوم حفظ و احیای برجام سخن می‌گویند؛ اما گویا اروپایی‌ها گوش به آمریکا و البته منافع خود دارند و چین و روسیه نیز بسته به شرایط و منافع خود اعلام موضع می‌کنند. این در حالی است که غربی‌ها اخیرا نیز در حوزه فنی نگرانی‌هایی را پیرامون افزایش غنی‌سازی‌های ایران مطرح کرده و حتی تا مرز صدور بیانیه علیه ایران نیز پیش رفتند و عده‌ای هم صحبت از صدور قطعنامه علیه کشورمان را به میان آوردند. با این حال سفر اخیر رافائل گروسی مدیر کل آژانس بین المللی انرژی اتمی به تهران و دیدار با محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی اتفاق مهمی بود که باعث شد تا نگرانی‌ها جای خود را به اعتماد سازی بدهد و گروسی هم از افزایش دیدارها و ادامه مذاکرات در وین صحبت کند. حال باید دید در نشست آتی شورای حکام و مذاکرات برجامی چه تحولاتی رخ خواهد داد. در این راستا برای بررسی تاثیرات سفر گروسی به تهران، احیای برجام و مسائل آن و نوع نگاه طرفین به این توافق «آرمان ملی» با مهدی ذاکریان استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت وگو پرداخته است که می‌خوانید.

با وجود ابراز نگرانی‌های غربی‌ها در مورد برنامه هسته‌ای ایران؛ سفر اخیر مدیر کل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به کشورمان را چگونه ارزیابی می‌کنید و این سفر چه تاثیرات مثبتی در نشست آینده شورای حکام خواهد داشت؟

ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعامل داشته و خواهد داشت و آمادگی خود را برای این تعامل انکار نمی‌کند اما در علت این تعامل که به قطعنامه ۲۲۳۱ و برجام باز می‌گردد ۵+۱ تعهداتی دارد که آن تعهدات انجام نشده است. اگر کشورهای ۵+۱ نگران این هستند که آژانس نظارت کامل داشته و ایران همکاری کامل با آژانس داشته باشد باید به تعهدات خود بازگردند. نهاد ناظر بر رفتارهای ایران در زمینه مسائل هسته‌ای آژانس است و قطعنامه ۲۲۳۱ نیز همین نهاد را مامور کرده است اما نهاد ناظر بر رفتارهای ۵+۱ کیست؟ پاسخ این است که در واقع هیچ کس و نهادی برای نظارت نداریم. آنها به تعهدات خود وفا نکردند چنانکه آمریکا تعهدات خود را انجام نداد و از برجام خارج شد و بقیه نیز از ترس آمریکا به تعهدات خود عمل نکردند. لذا ایران خواهان این است که همه طرف‌ها به صورت دقیق و مطلوب به تعهدات خود بازگردند و کلیه تحریم‌ها برداشته شود. آژانس و اقای گروسی هم می‌دانند که ایران انگیزه‌ای جز همکاری ندارد. بنابراین اگر میزان غنی‌سازی را هم بالا می‌برد به این خاطر است که طرف مقابل هم به تعهدات خود پایبند نبوده است. لذا قرار شد که آقای گروسی برود و با کشورهای غربی صحبت کند و سپس در وین مذاکرات ادامه پیدا کند. لذا منطق ایران منطقی درست و در خط صحیحی است و این نه تنها غربی‌ها که روس‌ها و چینی‌ها هستند که باید براساس تعهدات و وظایف خود عمل کنند. نباید فراموش کنیم که ۵+۱ در مورد مسائل ایران یکپارچه است و اینطور نبوده که فقط اروپایی‌ها نسبت به ایران تعهدات خود را عمل نکردند بلکه بر عکس روس‌ها و چینی‌ها هم کار خاصی برای ما نکردند. حال بماند که اتحادیه اروپا لااقل شعار اینستکس را داد ولی روس و چین حتی شعاری هم در خصوص انجام وظایف خود در برجام نداند.

> **درباره مساله روابط خارجی باید به سمت تئوری همکاری جهانی و اقتصادی برویم. هر جای دنیا هر کشوری در راستای منافع ملی ما عمل کند در روابط خارجی باید به او خیر مقدم و خوشامد گفت. بنابراین آمریکا، اروپا، چین یا روسیه باید با همه دنیا کار کنیم. نگاه به شرق بسیار بی معنی است همانطور که نگاه به غرب بی معنی است. نگاه به با معنی نگاه به منافع ملی است**

با توجه به آنچـــه می‌فرمایید پس چرا با وجود اینکه روسیه و چین هم کارکرد لازم را در قضیه برجام نسبت به ایران نداشته‌اند؛ ایران همچنان نگاه به شرق را تقویت می‌کند؟

یک تئوری در روابط بین‌الملل و تاریخ روابط خارجی ایران داریم به نام تئوری موازنه قوا و در تاریخ روابط خارجی ایران متاسفانه این تئوری موازنه مثبت بوده که پس از انقلاب به تئوری موازنه منفی تغییر کرده است. در دوره قاجار اگر امتیازی به انگلیس می‌دادند باید امتیازی هم به روسیه می‌دادند اما در بعد از انقلاب این موازنه منفی شده به این صورت که اگر به آمریکا می‌گوییم نه به روسیه هم نه بگوییم. اگر به اتحادیه اروپا می‌گوییم نه به چین هم بگوییم نه. این تئوری موازنه منفی در ایران بسیار قوی و محکم است. لذا به نظرم درباره مساله روابط خارجی باید از قالب تئوری موازنه خارج شویم و به سمت تئوری همکاری جهانی و اقتصادی برویم. هر جای دنیا هر کشوری در راستای منافع ملی ما عمل کند در روابط خارجی باید به او خیر مقدم و خوشامد گفت. بنابراین آمریکا، اروپا، چین یا روسیه باید همه دنیا کار کنیم. نگاه به شرق بسیار بی معنی است همانطور که نگاه به غرب بی معنی است. نگاه با معنی نگاه به منافع ملی است. ایران نیز باید به دنبال نگاه به منافع ملی برود. هر کشوری فرق نمی‌کند فرانسه، روسیه، ایتالیا، کره جنوبی، ژاپن امارات، سعودی و ... بتواند در راستای منافع ایران صحیح گام بردارد و به منافع ایران کمک کند در اولویت همکاری با ایران قرار می‌گیرد. ما در تاریخ روابط خارجی خودمان نیز بعد از پیروزی انقلاب در زمان‌هایی روابطمان با سوئیس در صدر بوده و این نشان دهنده محوریت منافع ملی بوده و ما می‌توانستیم در مسائلی با این کشور خوب کار کنیم و منافع ما را تامین کند. لذا در مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی باید نگاهمان صرفا منافع ملی و به همه کشورهایی باشد که در این راه به ما کمک می‌کنند. بنابر این دیپلماسی نگاه به شرق، غرب، آفریقا یا آمریکایی لاتین با موضوع نگاه به منافع ملی بی معنی شده و به نگاه جهانی به هر کشوری که بتواند با ما کمک کند تبدیل می‌شود.

برخی مطـــرح می‌کنند که اروپایی‌ها همواره در اتخاذ تصمیمات و عملکردهایشان تحت تاثیر آمریکا بوده‌اند و همین مساله باعث شده تا نتوانند رویکرد مستقلی از خود حداقل در مورد ایران نشان دهند؛ چقدر به این موضوع قائل هستید؟

معتقدم که کشورهای پیشرفته و مدرن بر پایه منافع ملت خود تصمیم می‌گیرند و در بسیاری از مسائل کشورها با هم همسو هستند و آن جایی است که منافع طرفین و منافع متقابل می‌انجامد. ولی در برخی از موارد با هم اختلاف نظر دارند. درباره مسائل ایران کل دنیا یعنی اروپا، آمریکا و روسیه و چین همه در مورد مساله هسته‌ای ایران یک نظر دارند که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. لذا این نظر خاص اروپا و آمریکا نیست بلکه نظر روسیه، چین، عربستان، پاکستان، ترکیه، امارات و... است. همه کشورهای دنیا در این موضوع با یکدیگر هم نظرند. بنابر این آنهایی که می‌خواهند ببینند و با هم در مورد مسائل هسته‌ای نتیجه بگیرند که اروپا از آمریکا اجازه می‌گیرد اشتباه می‌کنند، چراکه این نظر خاص هر کشوری است. ولی در مورد برخی مسائل اروپایی‌ها با آمریکا اختلاف دارند و در بعضی از مسائل هم کاملا متحدند. به عنوان مثال اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها در موضوع فلسطین و اسرائیل با هم اختلاف دارند. چنانکه تولیدات سرزمین‌های اشغالی حق ورود و صادرات به اتحادیه اروپا ندارد اما آمریکایی‌ها چنین نگاهی ندارند. در مورد مسائل اعراب و اسرائیل اتحادیه اروپا معتقد است که باید ما عدالت را نسبت به ملت فلسطین پیش بینی و رعایت کنیم در حالی که آمریکایی‌ها چنین نظری ندارند. لذا اختلاف نظر دارند یعنی آمریکایی‌ها و اروپا در مساله فلسطین اختلاف نظر دارند. در مساله حقوق بشر اروپایی‌ها طرفدار شورای حقوق بشر و دیوان کیفری بین‌المللی هستند اما آمریکایی کاملا مخالف اروپایی‌ها است. ولی در برخی از مسائل آمریکا و اروپا کاملا متحدند مثل مساله مبارزه با تروریسم که نگاهشان کاملا یکسان است. در موضوع چگونگی برخورد با کره شمالی نگاه یک شکلی دارند ولی در موضوع چگونگی برخورد با عربستان سعودی نکاه اتحادیه اروپا با آمریکا فرق می‌کند. در مورد ایران در موضوع هسته‌ای با هم موافقند ولی در مسائل دیگر با هم اختلاف جدی دارند و در ایران به جای اینکه برخی از جناح‌های سیاسی در داخل کشور از این اختلاف و رقابت میان اروپا و آمریکا به نفع منافع ملی ایران بهره بگیرند متاسفانه اروپایی‌ها را به سمت آمریکا هل می‌دهند که در مسائل اختلافی نیز با هم متحد شوند. اینها برای رقابت سیاسی و با انگیزه‌های شخصی می‌آیند و چنین مسائلی را مطرح می‌کنند در حالی که کاملا اشتباه می‌کنند. شما باید کاری کنید که از اختلاف میان کشورها استفاده کنید البته این رویکرد موقعی هم نباید منجر به توهم شود. بر عکس عده‌ای هم در داخل کشور دچار این توهم می‌شوند که این اختلاف سلیقه یعنی دشمنی و خصومت میان اروپا و آمریکا در حالی که اینگونه نیست و باید حدش را در همان اندازه اختلاف ببینیم و دچار توهم نشویم که بگوییم اینها با هم دشمنند. لذا باید بگوییم که در برخی موارد اختلاف دارند و در آن منافع خودمان را تامین کنیم اما متاسفانه این سنجش درست در سیاست و روابط خارجی وجود ندارد و گاه با اندازه‌گیری‌های نامناسب تحلیل‌های نادرستی ارائه می‌شود که منجر به زیان برای ملت ایران می‌شود.

> **ایران معتقد است اگر به شرایطی که در گذشته تعیین شده و مطابق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت طرف‌های مقابل به تعهدات خود عمل نکنند، از سوی تهران هیچ عجله‌ای برای بازگشت به آن تعهدات وجود ندارد**

در اختلافـــات میان اروپا و آمریکا هم می‌تـــوان تاثیـــر آمریکایی‌ها را بر نوع تصمیم‌گیری‌هـــای اروپایی‌ها با برخی اهرم‌های فشار دید؟

خیر؛ آمـــریکا نتوانسته و نمی‌تواند نظر خود را غالب کند. نمونه این موضوع تاسیس دیوان کیفری بیـــن‌المللی است که اروپایی‌ها خواهان تاسیس دیـــوان بین‌المللی کیفری و شورای حقوق بشر بودند که تاسیس شد. خواهان تصویب کنوانسیون‌های حقوق بشری و پیمان آب و هوایی پاریس بودند که تصویب شد. در خیلی از موارد آمریکایی‌ها نتوانستند نظر اختلافی خود را تحمیل کنند. مثلا در یونسکو اروپایی‌ها موافق عضویت فلسطین بودند و عضو شد. در حالی که آمریکا و اسرائیل مخالف بودند و آمریکا فشار آورده و حتی تهدید به ندادن بودجه هم کرد اما یونسکو عضویت فلسطین را پذیرفت. در سازمان ملل نیز دولت خودگردان به عنوان یک دولت رسمی پذیرفته شده است. در مساله برجام نیز همین‌طور بود و ترامپ می‌گفت که دوره برجام تمام شده ولی اروپا در کنار روسیه و چین برجام را نگه داشتند. برجام را آمریکا نگه نداشت. برجام را ایران و ۴+۱ نگه داشتند و حتی سازمان ملل نیز قدرت نگهداری آن را نداشت و قدرت نگهداری آن در دست دولت‌های عضو برجام بود و با اینکه یک کشور خارج شد اما برجام از هم فرونپاشید. ترامپ از پیمان آب و هوایی پاریس هم خارج شد اما بعد آمریکا در دوره بایدن مجبور شد بازگردد. نظرات اختلافی آمریکا منجر به تحمیل بر اروپا نشده است. هرچند که این تحمیل بر روسیه و چین صورت گرفته است. چینی‌ها موارد اختلافی که در گمرک با ترامپ داشتند را نشستند و مذاکره کردند و نظرات ترامپ را در موضوع تعرفه و تجارت پذیرفتند. چینی‌ها و روس‌ها هر دو یرفتند. تنها جایی که روس‌ها و چینی‌ها با آمریکا اختلاف دارند مواردی مانند کره‌شمالی است که وتو می‌کنند. موردی هم بوده برای سوریه که وتو کردند. یعنی جاهایی که تقسیم بندی بلوک شرق و بلوک غرب می‌شود می‌بینید که روس‌ها و چینی‌ها می‌توانند نظر سیاسی و نه اقتصادی خود را اعمال کنند. مثل ماجرای سوریه، لیبی، کره شمالی. درباره ایران، روسیه و چین تاکنون در شورای امنیت در قطعنامه‌ها رای منفی و ممتنع هم ندادند. لذا فقط در مسائل بلوک شرق و غرب مثل سوریه نظر خود را اعمال می‌کنند. برای اینکه آنها دیدند که دوبار در ۲ جا اردوگاه خود را از دست دادند. یکی اردوگاه صدام بود که اتحاد جماهیر شوروی آنجا روابط پایداری داشت و آمریکایی‌ها هم ورود پیدا کردند و روس‌ها نتوانستند مانع شوند در نهایت این اردوگاه را باختند و دیگری هم لیبی بود که باختند. این روسیه و لیبی برای روس‌ها درس عبرتی شد که در مساله سوریه و... اجازه ندهند که حتی یک قطعنامه صادر شود.

طی چند وقت اخیر بارهـــا شاهد مواضع تروئیکای اروپایی، آمریکا و چین و روسیه هستیم که نسبت به تسریع در شکل گیری مذاکرات دوره هفتم در راستای احیای برجام تاکید دارند؛ این در حالی است که موضع ایران همواره این بوده که عجله‌ای برای مذاکره نداشته و بر اساس کسب منافع ملی خود وارد مذاکره می‌شود؛ اساسا عجله طرف‌های دیگر برجام برای آغاز مجدد مذاکرات از چه رو است؟

آنها می‌بینند که ایران میزان ذخایر و غنی سازی خود را افزایش داده و بنابر این تمام لوازم و شرایطی که معمولا برای رسیدن به فعالیت‌های هسته‌ای در حد نظامی امکان پذیر است ایران نزدیک می‌شود و لذا ابراز نگرانی می‌کنند. از این طرف ایران هیچ عجله‌ای ندارد به این خاطر که یکی از ابزارهای فشار همین افزایش ذخایر و بالا بردن میزان اورانیوم و دسترسی کامل به این دانش و فناوری است. وقتی شما به این دانش و فناوری دسترسی داشته باشید برای آنها محال است که بخواهند در مقابل شما فشار یا اعمال شرط بیشتری را وارد کنند. لذا ایران همچنان معتقد است که اگر به شرایطی که در گذشته تعیین شده و ایران مطابق قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و برجام به تعهدات خود عمل کرده و جلو می‌برد ولی اگر شرایطی را که طرف مقابل باید به آن عمل می‌کرد، مهیا نشود هیچ عجله‌ای برای بازگشت به آن تعهدات نیست. لذا روس، چین، آمریکا، فرانسه، آلمان، بریتانیا و اتحادیه اروپا باید عجله کنند و امتیازات خاص و بیشتری به ایران مطرح کنند تا ایران علاقه‌مند شود به تعهدات قبلی خود بازگردد. فراموش هم نمی‌کنیم که زمان زیادی هم تا پایان برجام نمانده و شش سال آن گذشت و زمان زیادی تا پایان برجام باقی نمانده و طی یک دهه آینده باید کلیه نظارت‌ها برداشته شود و میزان غنی سازی هم که دیگر کنترل شده نخواهد بود چون ایران در این شش سال هم بیشتر به تعهدات خود عمل کرده طرفین دیگر باید جبران این کاستی ها را هم انجام دهند چون طی دهه آینده هم که برجام به پایان برسد هیچ نظارتی نیست. بنابراین اکنون باید سایر طرفین از این فرصت تعهدات ایران استفاده و عجله کنند چون زمان از برجام می‌گذرد و پس از ان دیگر توافق دیگری نخواهد بود.

اخیرا مقامات آمریکایی مطرح کرده‌اند که اگر آمریکا در مذاکـــرات پیش رو ببیند که منافعش تامین نمی‌شود احتمالا از خیر برجام خواهد گذشت؛ اساسا فکر می‌کنید آمریکایی‌ها جدای از برجام به فکر نوع تعامل دیگری هستند؟

آمریکایی‌ها در تصمیـــم گیری‌هـــای خود خطاهای فراوانی دارند و بیست سال پیش در ۱۱ سپتامبر به افغانستان حمله کردند و ۲۰ سال بعد همان گروهی را که از کار برکنار کردند روی کار آوردند. پس تصمیمات غلط زیاد می‌گیرند. در مورد ایران هم آقای بلینکن اظهارنظرهای اضافی و نامربوط می‌کند. وضعیت ایران به گونه‌ای است که در منطقه و مسائل هسته‌ای در موضع برتر است. لذا وزیر خارجه آمریکا حرف بی ربطی می‌زند چون جایگاه و موقعیت ایران جایگاهی است که ترامپ هم به‌رغم اینکه با اسرائیل، عربستان، امارات و بحرین متحد شده بود نتوانست آن را متزلزل کند. این همه هزینه مادی و معنوی کردند و به نتیجه نرسیدند تا جایی که خواستند اعتراضات بحق مردم را هم با خود گره بزنند و بتوانند دیدگاه خود را جلو ببرند که باز هم موفق نشدند. بنابر این اینها باید از تجربه‌های تلخ گذشته خود درس بگیرند و به سمت همکاری با ملت ایران روی بیاورند و فراموش نکنند که کاری که آنها کردند جز زیان برای ملت ایران چیز بیشتری نبوده و باعث شکاف بیشتر میان دو کشور می‌شود و لذا باید خطاهای خود را جبران کنند.

گـــزارش

رئیس سابق سازمان توسعه تجارت: بسیاری از کشورها ریسک تجارت با ایران را نمی‌پذیرند

قفل FATF بر «تجارت خارجی»

نماینده مجلس: تصمیم‌گیری درباره FATF منوط به لغو تحریم‌هاست

آرمان ملی: طی روزهای اخیر ادعاهای متفاوتی درباره تبعات نپیوستن به FATF مطرح می‌شود و این ادعاها با واکنش‌هایی همراه است، اما FATF که این همه سر و صدا کرده و پیرامونش این همه بحث و اختلاف نظر وجود دارد، چیست و چه کارکردهایی دارد؟ کارگروه اقدام مالی FATF یا Financial Action Task Force، در سال ۱۹۸۹ و به‌دستور گروه جی هفت (G7) تاسیس شد و مقر آن در پاریس است. اف‌ای‌تی‌اف (FATF) یک سازمان فرادولتی است که سیاست‌ها و استانداردهای مبارزه با جرایم مالی، از جمله پولشویی و تامین مالی تروریسم را طراحی و ترویج می‌کند. عضویت در این سازمان البته شرایطی هم دارد از جمله اینکه یک کشور برای عضو شدن باید ویژگی‌های مهمی همچون جمعیت بالا، تولید ناخالص داخلی قابل توجه و بخش بانکی توسعه یافته داشته باشد. علاوه بر این، اعضا باید بر اساس استانداردهای مالی پذیرفته شده عمل کنند و در سایر سازمان‌های بین‌المللی مهم نیز عضو باشند. ۲۱ شهریور رئیس سابق سازمان توسعه تجارت اظهار کرد: بسیاری از کشورها مانند چین، تایوان، تایلند و بسیاری دیگر از کشورها در کنار اینکه عضو شانگهای هستند از متحدان اصلی تجاری آمریکا هم به شمار می‌روند و نمی‌خواهند که به خاطر تجارت با ایران بعدا تحت تاثیر فشارهای آمریکا قرار بگیرند. بیشتر کشورها چنین مشکلی در تجارت با ایران دارند، حتی در همسایگی ما کشوری مانند عراق به دلیل فشارهای آمریکا چندان حاضر به این کار نیستند. محمدرضا مودودی در مورد پیوستن احتمالی ایران به پیمان شانگهای اظهار کرد: ایران هرچه بیشتر بتواند عضو پیمان‌های منطقه‌ای شود بیشتر نفع می‌برد. نیاز است که در این شرایط سهم خود را از پیمان‌های منطقه‌ای افزایش دهیم، امروز سهم ما در پیمان‌های منطقه‌ای بسیار ناچیز است که نقطه ضعف بزرگی برای تجارت و اقتصاد ایران محسوب می‌شود. شانگهای پیمان مهمی در منطقه جنوب شرق آسیاست، بازار بسیار بزرگی در این منطقه وجود دارد و در عین حال کشورهای عضو این پیمان از ظرفیت بالایی برای تجارت برخوردار هستند. از این جهت این موضوع فرصت خوبی برای ایران است. اگرچه به نظر نمی‌رسد راه ساده‌ای فراروی ایران برای پیوستن به پیمان شانگهای باشد اما اگر بتواند بر مسائل مختلف سیاسی و اقتصادی که مانع عضویت در اینگونه پیمان‌ها هستند غلبه کند، می‌تواند فرصت خوبی نصیب تجارت ایران شود تا بتوانیم ظرفیت خوبی را از نظر اقتصادی ایجاد کنیم.

واکنش به اظهارات مودودی

دیروز عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به اظهارات رئیس سابق سازمان توسعه واکنش نشان داد. ابوالفضل عمویی، در واکنش به ادعای برخی از افراد مبنی بر اینکه نپیوستن ایران به FATF باعث می‌شود که نتوانیم با کشورهای دیگر تبادلات تجاری داشته باشیم، اظهار داشت FATF یا قواعد کار گروه مالی مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم ساختاری است که در آن تلاش می‌شود تا کشورها از تامین مالی تروریسم و پولشویی خودداری کنند. وی تاکید کرد: اصل مقابله با پولشویی و تامین مالی تروریسم در ایران پذیرفته شده است و ما قوانین داخلی برای مقابله با این موضوع داریم. در این زمینه اشراف داخلی بسیار خوبی در سیستم بانکی و نظام اقتصادی ما وجود دارد تا این تخلفات صورت نگیرد. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس تصریح کرد: منتها شفاف شدن بین‌المللی این موضوع از طریق پیوستن به دو کنوانسیون پالرمو و مبارزه با تامین مالی تروریسم در حال حاضر مورد پذیرش جمهوری اسلامی ایران نیست چرا که در شرایطی که طرف‌های غربی و آمریکایی تلاش می‌کنند همه طرف‌های تجارت با ایران را مورد تحریم قرار دهند، شفافیت مالی بین‌المللی، مانع تجارت ایران می‌شود. نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی بیان کرد: در واقع تا زمانی که تحریم‌های ظالمانه و یکجانبه علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد، انتظار شفافیت بین‌المللی تراکنش‌های مالی، انتظاری نابجا و زیاده‌خواهانه است. وی اظهار داشت: بر این اساس، مسأله اول ما رفع تحریم‌هاست و تا زمانی که در مورد رفع تحریم‌ها اقدامی صورت نگیرد، نمی‌توان درباره FATF تصمیم‌گیری کرد.

نگـــاه

توافق با آژانس «مُسَکّن» بود، نه «درمان»

ادامه از صفحه اول / این در حالی است که دو سال دیگر یعنی سال ۲۰۲۳ هم محدودیت‌های موشکی ایران برداشته خواهد شد. در نتیجه نگاه آمریکا این است که یک برجام جدید با یک افق زمانی بلندتر یعنی تا سال ۲۰۵۰ مجدداً در دستور کار قرار دهد. در این رابطه بایدن و کاخ‌سفید عنوان کرده است که حاضر به بازگشت به توافق سال ۲۰۱۵ هستند به این شرط که تاریخ انقضای این توافق به سال ۲۰۵۰ موکول شود، شرطی که قطعا جمهوری اسلامی ایران با آن مخالف است. در نتیجه مذاکرات، نه می‌تواند به نتایج لازم دست پیدا خواهد کرد و نه به این زودی‌ها می‌تواند اختلافات را حل و فصل کند. نباید فراموش کنیم که اکنون کشور با بحران‌های متعدد اقتصادی، معیشتی، بهداشتی، اجتماعی و فرهنگی دست به گریبان است. دولت رئیسی به هیچ وجه در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. دولت رئیسی سعی دارد با دیپلماسی اقتصادی و ارتباط با همسایگان چالش‌ها را حل کند. مادامی که برجام احیا نشود و لغو تحریم‌ها در دستور کار قرار نگیرد هیچ کدام از کشورهای جهان، چه همسایگان و چه کشورهای فرامنطقه‌ای، نه تمایل و نه توانی برای برقراری روابط تجاری با ایران دارند. به سفر کاظمی، نخست وزیر عراق به ایران و مواضعش نگاه نکنید. این مواضع مثبت کاظمی برای برقراری روابط تجاری با ایران صرفا موضع‌گیری مثبت دیپلماتیک است که باید انجام شود، کما اینکه هر کشوری هم در لفظ و ادعا خواهان برقراری و تشدید روابط تجاری با ایران است. ما باید ببینیم در صحنه عمل چه اتفاقی برای توسعه روابط تجاری و اقتصادی ما روی می‌دهد؟ آیا تحریم‌ها اجازه می‌دهد تا روابط اقتصادی توسعه پیدا کند؟ ایران و عراق سودای اقتصاد ۳۰ میلیاردی را در سر دارند، ولی در بستر تحریم‌ها این یک خواب و خیال است.